

جاده شغنان-اشکاشم که ساخت آن یک رویا بود

دوشنبه ۲۷ جدی ۱۳۸۹

سکندر شغنانی، روزنامه هشت صبح

۲۹ قوس ۱۳۸۹ نقطه عطفی در روزگار مملو از درد و رنج مردم شغنان بود. این روز پایان بخش یکی از بزرگترین چالش‌ها برای مردم شغنان محسوب می‌شد. جاده اشکاشم - شغنان، برای سرزمین شغنانیانی که در آغوش کوه‌های سر به فلک زندگی می‌کنند، تحول بزرگی است.

کاربران این جاده پر از خم و پیچ که دارای شگفتی‌ها در درازنای قرن‌ها بوده، همواره با درد و رنج و مصیبت‌های بزرگ تاریخی دست و پنجه نرم کرده‌اند. این جاده‌ی عمومی، با آن فراز و نشیب و خطرات بزرگ موسمی، تا مرکز (قلعه) ۱۳۰ کیلومتر طول دارد و تصور ساخت و هموارکاری صخره‌های وحشتناک، از شگفتی‌های هر عصر و زمان، برای باشندگان آن منطقه بود.

داستان این دره، با آن کوه‌های سر به فلک در دو طرف ساحل آمو و امتداد آن تا مناطق دروازه‌ها، از نسل‌های قدیم تا امروز سینه به سینه انتقال یافته و تا اکنون در ذهن‌های مردم زنده است. این افسانه، به روایت‌های متنوع، نقل شده‌است. بابه‌کلان‌های ما از قصه‌ها و افسانه‌های قدیم در روایت‌شان سود جسته می‌گفتند: «دره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، نیاکان ما، آن را «زندان حضرت سلیمان» نامگذاری کرده بودند.» بودن و نبودن زندان حضرت سلیمان، دغدغه‌های افسانه‌ای است که هنوز در ذهن هر آدم شغنانی و دروازی نفس می‌کشد. ولی این که از دید تاریخی تا چه حد، اظهارات افسانه‌ای پیوند به حقیقت دارد، تا اینک، سند درست و رسمی‌ای در این زمینه به دست نیامده است.

به هر حال و بالاخره، برخی از انسان‌های وظیفه‌شناس، با ادای مسوولیت در برابر آبادی کشور برای آوردن دگرگونی مثبت پیوسته تلاش می‌کنند. این گونه انسان‌های خدمتگزار، سرانجام با ایجاد جاده اشکاشم - شغنان، طلسم شوم این دیوار زندان را که سد تاریخی‌ای برای باشندگان این دره‌ی مسیر دریای آمو بود، از میان برداشتند و هنوز هم کار برای برچیده شدن آن ادامه دارد.

از آغاز سکونت، باشندگان این سرزمین سال‌های متمادی، با پشته‌های سنگین با عبور از این کوه‌ها و از فراز و نشیب کوتل‌های صعب‌العبور، کمرشان کج و کوژ گردید.

و سرانجام، آغاز ماه قوس امسال، آهسته آهسته، هنگامه‌هایی در گوش هر آدم شغنانی می‌رسید. سفیر خوشبختی هر لحظه در شهر فیض‌آباد و دیگر منطقه‌ها مژده می‌داد که به زودی دروازه‌ی شگفتی‌های تاریخ، به روی شغنانی‌ها باز خواهد شد. با گذشت هر روز، نقطه وصل از دو طرف جاده (اشکاشم و شغنان)، نزدیک‌تر می‌شد.

۲۰ قوس، آخرین صخره، که مانع ورود موتر به دریاچه بود، با صدای آخرین انفجار برداشته شد و جاده ترانزیتی شغنان - اشکاشم وصل گردید. مسوولان ملکی و نظامی و شخصیت‌های بانفوذ، در مراسم گشایش مکمل جاده، اشتراک داشتند. سرانجام پس از تلاش چهار روزه، به همکاری مردم «درمارخت» پل چوبی بر فراز دریاچه ساخته شد و روز ۲۹ قوس، کار ساخت جاده‌ای که در رویاها بود، تکمیل شد و اولین موتر از جاده ترانزیتی اشکاشم - شغنان عبور کرد. ۲۹ قوس، روز مهمی برای مردم ما بود. آن روز، با عبور نخستین موتر، این موفقیت را مردان و زنان، با گل‌پاشی و کف‌زدن‌ها، مورد استقبال قرار دادند.